

## آسیب شناسی راه‌های ترویج فرهنگ حجاب

خدیجه احمدی بیفش<sup>۱</sup>

### چکیده

خداوند متعال پرتوی از جلال و جمال خویش را به انسان بخشیده است. مرد را جلوه‌ی جلال و زن را در چهره جمال خویش نموده و این دو را برای هم کامل کننده وجود هم قرار داده است. حجاب هم برای حفظ آرامش و امانت و صفا در زندگی خانوادگی و اجتماعی است. «حجاب» از ارزنده‌ترین نمودهای فرهنگی، اجتماعی در تمدن ایرانی - اسلامی است که پیشینه آن به قبل از ورود اسلام می‌رسد، اما در فرهنگ اسلامی به اوج تعالی و منتهای ارزش و اعتبار خود می‌رسد. فرهنگ حجاب پدیده مذهبی و ارزشی مهمی در تعالیم اسلامی است و توجه به ابعاد گوناگون خانوادگی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، حکومتی، رسانه‌ای و... به‌عنوان بستر آن بسیار شایسته و لازم است و اشاعه و تعمیق آن نیازمند آموزش‌های بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه و اجتماع است. آسیب شناسی راه‌های ترویج فرهنگ حجاب؛ تحلیل و بررسی رفتارها و سیاست‌های نامناسب در ابعاد مختلف معرفتی، خانوادگی، حکومتی، اجتماعی، فرهنگی و... ترویج فرهنگ حجاب است. در این موضوعی ابعادی مورد بررسی قرار می‌گیرد که اصول و هنجارهای ارزشمند جامعه مورد بی‌توجهی و یا تخطی قرار می‌گیرد و اهداف متعالی زندگی فردی و اجتماعی انسان تحقق نمی‌یابد که یکی از مهم‌ترین آن بد حجابی و در نتیجه بی‌حجابی می‌باشد. آسیب شناسی ترویج راه‌های فرهنگ حجاب یکی از دغدغه‌های امروز جامعه اسلامی به شمار می‌رود.

**واژگان کلیدی:** حجاب، فرهنگ، آسیب شناسی، ترویج

<sup>۱</sup> طلبه سطح چهار (دکتری-تفسیر تطبیقی) - عضو انجمن پژوهشگران موسسه آموزش عالی حضرت عبدالعظیم (علیه السلام)

## ۱. مقدمه

اسلام در نگاه دقیق خود برای حفظ حریم عفت عمومی، جلوگیری از شیوع فحشا و فساد، کنترل غریزه شهوت، پیشگیری از هدر رفتن انرژی‌ها و رکود بازار اجتماعی، علمی و ... ارزش نهادن به کرامت انسانی زن که یک دوم نیروی انسانی جامعه است و جلوگیری از نگاه جنسیتی و ابزاری مرد به زن، جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها و ایجاد نسل بی‌پایه و اساس، ایجاد آرامش روانی در سطح جامعه و در یک جمله «آزادی واقعی زن از قید هوس‌ها» مسئله حجاب را مطرح کرد.

اندیشه و فرهنگ دینی ساختار اصلی جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد که اثر آن در رفتارهای فردی و اجتماعی شهروندان هویدا می‌شود و بازتاب باورها و دغدغه‌های افراد را در فضای حاکم بر جامعه می‌توان دید. از آن جا که اثرگذاری و اثرپذیری فرد و جامعه امری پذیرفته شده و انکارناپذیر است، برای اصلاح، تغییر و ایجاد فرهنگ باید به این دو مسئله توجه ویژه‌ای داشت.

رفتارهای دینی گاه شخصی و درونی‌اند و آثار ویران‌گر آن در اجتماع چه اندک یا بسیار، به چشم نمی‌آید و گاهی جنبه بیرونی دارند که آثار منفی آن در جامعه بر جای می‌ماند. شارع مقدس درباره نوع دوم رفتارها، سفارش‌های جدی و مهمی دارد. حجاب و عفاف از جمله احکام اسلامی و ضروریات دین است که سیاست‌گذاران باید برای اجرای آن برنامه ریزی کنند؛ زیرا سلامت روانی شهروندان را تضمین می‌کند.

آنچه به‌عنوان بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه دینی با آن مواجه هستیم، یک فرهنگ وارداتی و استعماری است. بعد از انقلاب هم دشمن برای پیشبرد اهداف استعماری خود بحث بدحجابی را برای کشورهای مثل ایران که اصالت فرهنگی دارند در نظر گرفته است و برای پیشبرد این هدف از هیچ تلاشی مضایقه نکرده است. دشمن با حرکات مرموز و حساب شده درصدد برخورد با ارزش‌های دینی برآمد. بسته به فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه، ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی هم متفاوت است. در جوامع دین‌مدار، ارزش‌های دینی، بخش جدانشدنی اجتماع است که تأثیر تخطی از آن در روان و امنیت اجتماع بد و جبران‌ناپذیر است.

بیان راه‌های گوناگون در ترویج فرهنگ حجاب موجب گسترش حجاب و پوشش در جامعه و حفظ افراد جامعه از به خطر افتادن در دام آلودگی‌ها و فسادهای موجود در مسیر این



امر است. ولی در اجرای فرهنگ حجاب آسیب‌های در ابعاد معرفتی و آموزشی، خانوادگی، اجتماعی، حکومتی، رسانه‌ای و... وجود دارد که موجب تأثیرات منفی و مخرب بر موضوع فرهنگ حجاب شده است.

"حجاب" جزو بحث‌های فرهنگی و مذهبی به شمار می‌رود که بیش از امور نظامی، سیاسی و اجتماعی به برنامه ریزی تدریجی و ریشه‌ای نیاز دارد. تمام نهادها و سازمان‌ها اعم از خصوصی و دولتی و شهروندان در فرهنگ سازی، نقش دارند و به همین دلیل، بدون آسیب شناسی راه‌های ترویج فرهنگ حجاب، نمی‌توان برنامه‌ای درست و کارآمد طراحی کرد. اینک جای این سؤال باقی است که آسیب‌هایی که در راه ترویج فرهنگ حجاب وجود دارد کدام است؟!

## ۲. چارچوب نظری فرهنگ حجاب

۲.۱. حجاب: حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن است، و حجاب به

معنای پرده نیز هست. (قرشی، ج ۲، ص ۱۸۰)

در لسان العرب چنین آمده است: «الحجاب: الستر و امرأة المحجوبه: قد سترت بستر: حجاب یعنی پوشش و زن محجوب یعنی زنی که با پوشش‌های پوشیده شده باشد» (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۵۷)

واژه حجاب پنج بار در قرآن کریم ذکر شده است و تنها در يك مورد به پوشش زن از نامحرم اشاره دارد: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقَوْلِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ: هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را: (به‌عنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار برای پاکی دل‌های شما و آنان بهتر است» (احزاب: ۵۳)

در این آیه شریفه ضمیر «هنّ» به همسران رسول خدا برمی‌گردد، و درخواست متاع از ایشان کنایه است و معنایش این است که با همسران پیامبر از پس پرده صحبت کنید، به دلیل اینکه دل‌هایتان دچار وسوسه نشود. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۵۰۶)

خطاب آیه متوجه مردان است که با زنان اختلاط نیابند و در صحبت کردن با زنان حریمی نگه دارند تا موجبات تحریک فراهم نیاید.

می‌توان گفت پشت پرده قرار گرفتن که دستاویزی برای مخالفان حجاب شده است و آن را عدم آزادی زن می‌دانند، يك امر ترجیحی است و قرآن کریم هر چیزی که به عفاف نزدیکتر





باشد را مورد توجه قرار داده است این بدان معناست که تا زمانی که ضرورت ایجاب نکند، پرده نشین بودن بهتر و مطلوب‌تر است و این هیچ منافاتی با آزادی و حضور زن در اجتماع ندارد. سیره حضرت زهرا (س) نیز مؤید همین معنا می‌باشد. ایشان هنگامی که ضرورت ایجاب کرد برای دفاع از حق به سوی مسجد شتافت و در حضور جمع زیادی از مهاجرین و انصار خطابه‌ای ایراد کرده و غاصبان حکومت را زیر سؤال برد.

از نگاه اسلام و بر اساس آیات زیادی از جمله سوره مبارکه احزاب و آیه ۳۵، حجرات ۱۳، نحل ۹۷، روم ۲۱، قصص ۷ و آل عمران ۴۵، خمیر مایه زن و مرد یکی است و رسیدن به مراتب کمالی برای هر دو میسر است اما تفاوت‌های جسمی، روانی و احساسی از نظر تکوینی و تشریحی بین این دو موجود، منشأ تفاوت‌های حقوقی و اجتماعی شده است از جمله در مسئله تو و محدوده حجاب و پوشش، هر چند در بسیاری از موارد حقوقی و اجتماعی بین این دو تساوی و بلکه ارجحیت زن حاکم است. (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۴ و ۱۶۵)

به طور کلی می‌توان گفت حجاب از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست؛ آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

**-اصطلاح حجاب:** شهید مطهری در این باره می‌فرماید: استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر که به معنی پوشش است به کار می‌رفته است. معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۴۲)

یکی از تفاوت‌های قراردادی و اجتماعی زن و مرد، حجاب به معنای اصطلاحی و عرفی آن است که اسلام حضور اجتماعی زن را نسبت به مرد با پوشش بیشتری مقید کرده است. نکته ظریف این که حجاب هرگز به معنای محدودیت زن نیست؛ فلسفه اصلی حکم حجاب، ورود زن به عرصه اجتماع است و این همان آزاد کردن زن است نه حصر و محدود کردن او. در این صورت است که نگاه مرد به زن دیگر نگاه جنسیتی نخواهد بود و لذا حجاب یعنی تغییر نگاه مرد به زن.

**۲. ۲. عفاف:** در معنای لغوی عفاف لسان العرب ذیل واژه عَفَّتَ چنین می‌گوید: «الکَفَّ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ؛ عَفَّ عَنْ الْمَحَارِمِ وَالْأَطْمَاعِ الدُّنْيَا» (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۹ ص ۲۵۲)

عَقّت در معنای اصطلاحی دارای مفهوم عام و خاص است؛ مفهوم عام آن خویشتن داری در برابر هر گونه تمایل افراطی و نفسانی است و مفهوم خاص آن خویشتن داری در برابر تمایلات بی‌بند و باری جنسی است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۲ ص ۲۸۳)

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، عَقّت به معنای رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل است. البته با رعایت شرط اعتدال؛ یعنی نه غرق در شهوات شویم که به افراط گراییم و نه ترك غرایز کنیم که به تفریط دچار آییم، بلکه استفاده صحیح و مشروع نماییم؛ زیرا خدای تعالی همه غرایز را به حکمت در وجود آدمی به ودیعت نهاده است.

### ۳.۲. فرهنگ

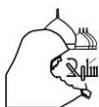
فرهنگ در زبان فارسی، به معنای ادب، تربیت علم و دانش، و مجموعه آداب و رسوم آمده است. (معین، ۱۳۷۶، ص ۸۳۵۲) اصطلاح فرهنگ (culture) در علوم انسانی و اجتماعی به‌خصوص جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی استعمال فراوانی دارد. با این حال، مفهوم واحد و مشخصی ندارد به‌گونه‌ای که تاکنون بیش از ۲۵۰ تعریف مختلف، از آن ارائه شده است. فرهنگ یا تمدن، کلیّت درهم بافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم، و هرگونه توانایی و عادت‌ی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد. (لطیف پور، بی‌تا، ص ۱۲)

به‌طور خلاصه می‌توان در تعریف فرهنگ چنین گفت: «فرهنگ مجموعه و کلیت به هم تافته و پیچیده‌ای از ایده‌ها، باورها، آرمان‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، نمادها و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که حاصل و دستاورد نسل‌های مختلف مردم جهان و منطقه یا يك امت و یا دولت کشور می‌باشد و مبانی، اصول، چگونگی و چرایی این طرز تفکر، نحوه زندگی، چگونگی و نوع اعمال و رفتار فردی، جمعی و اجتماعی آنان را توجیه، تبیین یا تعیین می‌نماید و روند حال و آتی آن را معلوم و مشخص می‌کند» (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۷۴)

### ۴.۲. آسیب شناسی

منظور از آسیب شناسی، «شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری است که به وجود آمدن و یا تداوم حیات آن‌ها می‌تواند فرآیند تحقق هر نظام و سیستمی را متوقف و یا به‌صورت محسوس کند نماید.» (بنیانیان، ۱۳۷۷، ص ۲)

آسیب شناسی فرهنگی طبعاً به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند، و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک





جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. آسیب‌هایی این چنین، صرف نظر از میزان تخریب و خسارتی که بر مسائل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می‌سازند، آن چنان در متن فرهنگ اصیل آن ملت یا جامعه رسوخ می‌کنند که از درون هسته مقاومت افراد را در برابر مفاسد، آسیب پذیر می‌گرداند. این قبیل کنش‌ها رفته‌رفته نهادینه شده، حکم آداب و سنن حاکم بر جامعه را پیدا می‌کند، و در نتیجه، به استحاله فرهنگی و سرانجام به شکل‌گیری فرهنگی از نوع جدید می‌انجامد که با فرهنگ اولیه و اصیل تفاوت بارز دارد. به کاربردن راه‌های نادرست و ناصحیح در ترویج فرهنگ حجاب از جمله این آسیب‌هاست.

خطر کم رنگ شدن ارزش‌های والای فرهنگی و یا حتی خطر نابودی فرهنگ اصیل و بنیادین جوامع اسلامی ممکن است از درون و بطن جامعه متوجه ساختار فرهنگی جامعه شود، همان گونه که می‌تواند از پذیرش و یا آمادگی برای پذیرش ارزش‌های وارداتی فرهنگ بیگانه ناشی گردد. به هر حال، بحث از عوامل و عناصر آسیب رسان فرهنگی، به قالب و زمینه آسیب شناسی فرهنگی مربوط می‌شود.

## ۲.۵. مروری بر تاریخچه حجاب

لباس پوشیدن، شأنی از شئون انسان است و پدیده‌ای است که تقریباً به اندازه طول تاریخ بشر سابقه و به قدر پهنة جغرافیای امروزی زمین، گسترش دارد. (حداد عادل، ۱۳۸۶، ص ۵)

حجاب و پوشش در مفهوم عام آن همیشه ناظر بر شرم و حیا بوده است، این مقوله خصلتی انسانی داشته و تاریخ را برنمی‌تابد و شامل مرد و زن است. همین خصلت انسانی، یکی از فلسفه‌های اصلی پوشش آدمی بوده و نمی‌تواند تنها برای حفاظت از سرما و گرما باشد. این مطلب، بر اساس مجسمه‌های به‌جا مانده، کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های تاریخی، استنتاج گردیده است و تاریخ بشر قبل از میلاد و پس از آن، پوشش زن و مرد را نشان می‌دهد. نویسنده کتاب «تاریخ لباس» که محقق آمریکایی است، تاریخ پوشاک را تا سال ۱۹۵۰ میلادی بررسی کرده و از هر قوم و ملتی که سخن رانده، پوشش نسبتاً کامل آن‌ها را نشان می‌دهد. (حداد عادل، ۱۳۸۶، ص ۵)

با مرور منابع تاریخی کتب مذهبی، نتیجه گرفته می‌شود که حجاب یکی از اساسی‌ترین مسائل دینی و الهی به شمار می‌رود که اختصاص به دین اسلام ندارد و در تمام ادیان الهی از جمله زرتشت، یهود و مسیحیت، به لزوم رعایت آن تأکید شده است (ویل دورانت، ۱۳۸۱، ص ۲۲) این گرایش عمومی جوامع متمدن و غیر متمدن، دینی و غیردینی به مسئله حجاب، فطری

بودن حجاب را مطرح می‌سازند که آموزه‌های دینی ما نیز مؤید این تفکر است (از جمله سوره اعراف آیه ۲۲، که با نبود هیچ شخصی در بهشت مذکور باز آدم و حوا به محض برهنه شدن خود را پوشانند.) (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۱-۳۰)

«جرجی زیدان» در کتاب «تاریخ تمدن اسلام» می‌نویسد: «اگر مقصود از حجاب پوشانیدن تن و بدن زن است که این وضع در پیش از ظهور اسلام و حتی پیش از ظهور دیانت مسیح معمول بوده و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداده است و تا آخر قرون وسطی در اروپا معمول بوده و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است.» (زیدان، ۱۳۸۴، ص ۹۴۲)

«ویل دورانت» وقتی از ثروت و ثروتمندان در جوامع غربی می‌نویسد، گویی حجاب امتیاز ویژه طبقه بالایی جامعه بوده است. او معتقد است: «شهرنشین توانگر از آراستن زن و دختر خود با جامه‌ها (ی) گران‌بها بر خود می‌بالید و به یاری آنان آوازه توانگری خویش را در شهر می‌پراکند. هر چه توانگری بیشتر می‌شد، لباس و انواع آن نیز افزایش می‌یافت. (ویل دورانت، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۰۲-۲۰۲)

اما بررسی تاریخی حاکی از آن است که ایرانیان، پوشش را به‌عنوان امری والا پاس داشتند و بدان مفتخرند و بسیاری از ممالک را هم تحت تأثیر قرار دادند: «در کیش آریایی، زنان محترم محجوب بوده‌اند. زنان محترم ایران، برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز و ایجاد حدودی که آن‌ها را از زنان عادی و طبقه چهارم امتیاز دهد، صورت خود را می‌پوشاندند و گیسوان خود را پنهان نگه می‌داشتند. (ماجراجو، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴)

«زنان طبقات بالایی اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تخت روان روپوشدار، از خانه بیرون بیایند... در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زن دیده نمی‌شود (ویل دورانت، ۱۳۸۱ ج ۱، ص ۴۳۴) تاریخ نشان می‌دهد که زنان ایرانی در دوره‌های مختلفی همچون مادها، پار سها، اشکانیان و ساسانیان دارای حجاب بوده‌اند، برای نمونه در کتاب «پوشاک باستانی ایرانیان می‌خوانیم: «لباس زنان اشکانی، پیراهنی بلند تاروی زمین، گشاد، پرچین، آستین‌دار و یقه راست بوده است. پیراهن دیگری نیز داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد این یکی نسبت به اولی کوتاه و یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سر می‌کردند. چادر زنان اشکانی به رنگ‌های شاد و ارغوانی یا سفید بوده است.» (همان)

## ۲.۶. فلسفه ضرورت حجاب

عمده‌ترین ادله در فلسفه ضرورت حجاب عبارت‌اند از:





**(الف): آرامش روانی:** پر واضح است از جمله غرایز بشر که در طول تاریخ سبب فتنه‌ها، جنگ‌ها، تنش‌های عصبی، ناهنجاری‌های رفتاری و هزاران بلائی دیگر شده و می‌شود و اکنون نیز ابزار تحمیل فرهنگ و سیاست و رشد مصرف‌گرایی و تسلط بیگانگان است، غریزه جنسی است که عامل گسترش و تهییج آن طبق قانون خلقت در وجود زن بیشتر قرار داده شده و حجاب روشی است برای جلوگیری از طغیان این غریزه و آرامش روحی افراد جامعه.

**(ب) رشد معنویت:** بی‌تردید زنی که در دام بی‌حجابی افتد و تمام وقت خود را صرف آرایش و مدگرایی کند فرصتی برای ارتقای روحی و معنوی خود نمی‌یابد، به‌علاوه بی‌حجابی سبب افول معنویت کلی در سطح جامعه می‌شود. در مقابل، زن مؤمن باحجاب، هر رفتاری را به‌جا بروز می‌دهد و ضمن آن که کانون خانواده را با مهر و زیبایی خویش، معطر می‌کند در جامعه نیز عنصری فعال، انسان‌ساز و مربی اخلاق و خوبی‌ها می‌شود.

**(ج) استحکام خانواده:** وقتی راه رسیدن به هوس‌ها برای جوانان در عرصه خیابان‌ها، بازارچه‌ها و... باز باشد روشن است کسی به فکر تشکیل خانواده و قبول مسئولیت استکمالی خانواده نمی‌افتد. این در حالی است که با کنترل غریزه‌های جنسی با روش‌های معقول و کارآمد و سالم، بشریت بشر، نسل به نسل ادامه می‌یابد و مادران فهیم، فرزندان برومند تحویل جامعه می‌دهند و ازدواج، عبادتی مقدس و انسان‌ساز شناخته می‌شود.

**(ح) سلامت اقتصادی و علمی:** روشن است در مراکز علمی و اقتصادی حجاب مانع هدر رفتن انرژی‌هایی می‌شود که باید در رشد علمی و اقتصادی مصرف شوند.

**(د) مانع فرزندان نامشروع و بی‌سرپرست:** از جمله معضلات امروزی جوامع بشری در غرب که تبعات سنگین اقتصادی، اجتماعی، حقوقی در پی داشته وجود فرزندان نامشروع و بی‌سرپرست است که یقیناً یکی از علل بروز آن نبود حریم خاص بین زن و مرد و روابط اجتماعی غرب است و این مهم بار سنگینی را بر حاکمیت تحمیل می‌کند جدای از تبعات اجتماعی و اخلاقی آن.

**(ر) از نظر سیاسی:** یک زن باحجاب پشت نقاب حجاب بر حفظ باورهای دینی خود و فرهنگ دینی اسلام و جلوگیری از سوء استفاده قدرت‌های استعمارگر اصرار می‌ورزد.

**(ز) حفظ عزت و کرامت زن و جلوگیری از آزار سوء استفاده از شخصیت وی:** شاید این قسمت مهم‌ترین فلسفه ضرورت حجاب باشد چنانکه خداوند می‌فرماید: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَرْوِجَكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ



يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْدِبْنَ وَ كَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا: ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلابها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.» (احزاب: ۵۹)

زن وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه به او مایه حمایت اوست. این نیاز عاطفی و روانی سبب می‌شود که زن به اصطلاح قرآن، به تبرج و آرایش میل بیشتری داشته باشد، حال اگر این میل روانی از مجرای حقیقی خود یعنی حریم خصوصی خانواده به عرصه اجتماع کشیده شود طبعاً نگاه حیوانی و جنسی مردان را به خود جلب خواهد کرد و اینجاست که به جای حفظ کرامت و ارزش حقیقی زن - یعنی یک انسان - وی اسیر هوس‌های زودگذر و آزار مردان خواهد شد. (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴)

### ۳. آسیب‌شناسی راه‌های ترویج فرهنگ حجاب

بیان آسیب‌های موجود در راه‌های ترویج فرهنگ حجاب، که موجب تأثیرات منفی و تبدیل شدن مسئله حجاب به بد حجابی و یا نهایتاً بی‌حجابی شده می‌شود، امری گسترده و مبسوطی است که پرداختن به همه آن‌ها به‌منظور آسیب‌شناسی و حل مشکل، در این مقاله نمی‌گنجد. اما بررسی این موضوع در قالب ابعاد آموزشی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، حکومتی، چیزی است که بدان پرداخته می‌شود:

#### ۱.۳. بعد شناخت و آموزش

نهادینه‌سازی باورهای دینی صحیح درباره حجاب، در دوره‌های کودکی و خردسالی، بسیار حساس و مهم به نظر می‌رسد؛ زیرا شخصیت دینی افراد در دوره کودکی شکل می‌گیرد. در روایت هم آمده است: «مثل الذی یتعلم فی الصغر کالتقش فی الحجر؛ مثال دانشی که در کودکی آموخته شود، مثل حک کردن نقشی بر سنگ است.» (متقی، ۱۴۰۹، ۲۹۳۳۶) به‌طور کلی، آموزش در دوره کودکی، مانا تر خواهد بود و برنامه ریزی در این دوره، ارزشمندتر است. بهره‌مندی از مؤثرترین و کارآمدترین ابزارهای آموزشی و کمک آموزشی، شناخت مخاطب از جنبه‌های گوناگون و ایجاد ارتباط صمیمانه با فراگیرندگان ضروری است. بهترین روش در مرحله نهادینه‌سازی باور حجاب، برنامه ریزی برای خانواده‌ها و اطلاع‌رسانی در زمینه شناخت



کودک، نیازها و ویژگی‌های اوست تا به این وسیله از سال‌های ابتدای زندگی به فرهنگ سازی پرداخته شود.

پس از خانواده، مدرسه، عهده دار نهادینه سازی باورهای دینی و فرهنگ حجاب خواهد بود.

نهادینه سازی فرهنگ دینی در حوزه سوم یعنی جامعه نیز جایگاه مهمی دارد. خانواده و آموزش و پرورش به‌طور خاص، در پرورش کودکان در این مرحله، نقشی مؤثر و مفیدتر دارند. برای نوجوانان و جوانانی که مرحله کودکی را پشت سر نهاده‌اند، با توجه به ادبیات نوجوان و جوان و نیازهای ویژه آن‌ها و نیز شناخت ویژگی‌های مربوط به این دوره سنی می‌توان برنامه ریزی کرد. فرهنگ سراها، نهادهای فرهنگی و سازمان‌های دانشگاهی در نهادینه سازی باورهای دینی جوانان نقش دارند، ولی از آن جا که شخصیت و ساختار فکری جوان تا حدودی شکل گرفته است، کاری بس بزرگ و دشوار خواهد بود و نیازمند مطالعه و پژوهش کارشناسانه است.

تیین بهترین نوع پوشش و رفتار اجتماعی، تعیین حریم ارتباط با نامحرم و معرفی الگوی جامع حجاب در سطح گسترده، از مصداق‌های ترویج حجاب در بعد معرفتی و شناختی به شمار می‌آیند.

با تنظیم و ابلاغ قانون‌ها و آیین‌نامه‌هایی به ادارها و مؤسسه‌های دولتی و غیردولتی، می‌توان فرهنگ پدید آمده را که نمود بیرونی هم دارد، پاس داشت. در این مرحله، وارد شدن برخی نهادها مانند نیروی انتظامی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر و مؤسسه‌های ویژه مربوط به پاسداری از شاخص‌های فرهنگی به عرصه عمل ضروری است.

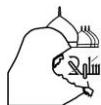
وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها، ابزار مهمی برای عرضه و انتقال پیام‌های فرهنگی به مخاطبان در سطح گسترده برای ایجاد شناخت و معرفت است. آشنایی با انواع رسانه‌ها و استفاده بهینه از کارایی‌ها و بهره‌وری درست از همه امکانات این ابزار، فرهنگ سازی را روشمندتر می‌کند و به روند آن سرعت می‌بخشد.

هم چنین مرکزهای اعزام مبلغ و متولیان فرهنگ دینی در نهادینه سازی فرهنگ حجاب، نقش مهمی دارند و آشنایی مبلغان و مروجان فرهنگ دینی با شیوه‌های تبلیغی جدید، بسیار کارآمد است. تبلیغ از طریق ارتباط چهره به چهره و مستقیم نیز بسیار مؤثر است. البته با



بهره‌مندی از فن آوری روز و شبکه اینترنت و ایجاد پایگاه‌های شخصی برای مبلغان می‌تواند این نوع تبلیغ را در فضای گسترده‌تری انجام داد و از زمان، بیش‌تر سود جست.

مهم‌ترین عامل لغزش‌ها و گمراهی در فرزندان، نداشتن آگاهی، معرفت و شناخت لازم دینی و ضعف ایمان و تقوا است. بهترین راه پیشگیری از گرایش به ضد ارزش‌ها و شهوات سرکش و تنها راه مبارزه با تهاجم فرهنگی استکبار جهانی، و آشنا نمودن آنان با حقایق زندگی و ارزش‌های دینی و انسانی است؛ چنان که در مکتب تربیتی معصومین (علیهم‌السلام) به این حقیقت تصریح شده است. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «علموا صبیانکم ما ینفعهم به لا یغلب علیهم» به کودکانتان مطالبی بیاموزید که برایشان سود مند و مفید است تا این که گروه‌های منحرف، بر آنان غالب نشوند، و افکار انحرافی خود را بر آنان القا نکنند. (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۷)



حجاب میوه درخت شناخت است و تازمانی که از زمینه‌های معرفتی و ریشه‌های اعتقادی محکمی برخوردار است چیزی نمی‌تواند آن را متزلزل کند. اگر هم از روی عوامل مختلفی مثلاً ترس شخص را مجبور به رعایت حجاب کرده باشد خود حجاب، حجاب می‌شود و بدین‌سان حجاب که باید عامل پوشش و پشتوانه‌ای برای اخلاق و سلامت روانی اجتماع باشد، خودش عامل انحراف و آسیب و بروز مشکلات اخلاقی می‌شود.

سخت‌گیری والدین و اولیای مدرسه از همان ابتدایی که فرد با حجاب آشنا می‌شود، موجب شیوع بیماری‌های خودکم‌بینی، عقده حقارت، محرومیت و... می‌شود که سبب می‌شود در نوجوانی و جوانی به‌صورت برخوردهای تهاجمی بروز کند. بروز حالات و رفتاری نظیر خود آرایی و خودنمایی نوعی عملکرد در مقابل رفتار سخت و گاهی خشن دیگران است تا با جلب نظرها، خلاهای خود را بیوشانند و این امر در سایه عدم شناخت و معرفت کافی نسبت به موضوع حجاب و پوشش است.

## - شناخت عوامل درونی و بیرونی

۹  
W

به نظر می‌رسد ریشه ناهنجاری‌های فعلی در زمینه حجاب را باید در دو دسته عوامل جست. دسته اول عوامل درونی و دسته دوم عوامل بیرونی؛ عوامل درونی بیش‌تر به ضعف انگیزه نظر دارد که ممکن است ناشی از فقدان اطلاعات صحیح و کافی در باره فواید حجاب و مضرات بد حجابی باشد. یا ناشی از مشکلات متعددی که رو درروی فرد با حجاب قرار دارد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد آگاهی برخی زنان در زمینه حدود و کیفیت حجاب و همچنین،



ویژگی‌ها و فواید آن کافی نباشد و بر عکس بد بینی و اعتقاد به تعارض حجاب با فعالیت اجتماعی، تضاد آن با روشنفکری و اندیشمندی و همچنین تعارض حجاب با شادی و تفریح، به صورت گسترده ای رواج دارد. در این مورد قطعاً دستگاه‌های تربیتی رسمی و غیر رسمی نظیر آموزش و پرورش، آموزش عالی، رادیو و تلویزیون، مطبوعات و سینما اگر تقصیر نداشته باشند، حتماً قصور دارند.

با توسعه میزان مشارکت زنان در نقش‌های اجتماعی، بدون شك حفظ حجاب با مشکلات پیچیده تر و جدیدتری مواجه شده است. چنان که شرایط جوی همچون گرمای تابستان یا حجم و وزن لباسهای زمستانی و شرایط اجتماعی از قبیل ترافیک شهرها، کارهای سخت در کارخانه‌ها، بیمارستانها و... فعالیت و آمد و شد روزانه زنان رادر صورت تقید به چادر واقعاً با مشکل بیش تری روبه رو می‌سازد. بدیهی است مقاومت در برابر این گونه مشکلات مستلزم انگیزش قوی درونی برای حفظ حجاب است. در حالی که در نقطه مقابل این نیرو، يك انگیزه قدرتمند برای خود نمایی در سرشت زنان وجود دارد.

علاقه به خود نمایی یکی از علایق ذاتی زنان است که سرکوب و همچنین رها شدگی آن ریشه بسیاری از مفاسد اجتماعی از جمله مسئله خانمان بر انداز سکس بوده است. این علاقه ذاتی همچون دیگر علایق و تمایلات ذاتی بشر، از جمله قدرت طلبی، فزون خواهی، خشونت و شهوت دوستی، هم لازمه زیست اجتماعی انسان است که بدون آن زندگی مختل می‌ماند و هم در صورت رها شدن، به سرعت طغیان خواهد کرد. از این رو لازم است همواره تحت کنترل عقل قرار گیرد. امروز بحران معنویت موجود ناشی از به کنار رانده شدن خرد بشری است. بنا بر این تقویت انگیزه درونی از طریق اطلاع رسانی صحیح در مورد حجاب و بکار گیری روش‌های تربیتی ویژه برای ایجاد احساسی از حضور خداوند حسابگر و مقتدر در درون افراد به راحتی حلال مشکلات ناشی از این آسیبها و ناهنجاریها از جمله راه‌های ناصحیح در ترویج فرهنگ حجاب خواهد بود.

دسته دوم عوامل بیرونی هستند. نا کار آمدی روش‌های تربیت دینی و تبلیغات مذهبی از يك سو و تلاش گسترده دیدگاههای سکولار برای مقابله با حجاب به عنوان يك ارزش دینی مخالف با آزادی و ناقض حقوق زنان از سوی دیگر، نظر دارد. تنها خود فرد و وجدان او ناظر به این حجاب هستند.

کوچک‌ترین واحد اجتماع و مؤثرترین آن، خانواده است. خانواده در شکل‌گیری شخصیت افراد نقش فراوانی دارد و به همین دلیل، حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر سفارش می‌کرد در اداره جامعه و امور حکومتی از افرادی بهره‌گیرد که اصالت خانوادگی دارند و از این افراد با عبارت «اهل البيوتات الصالحة والسوابق الحسنة» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) یاد می‌کند.

شناخت خانواده و نقش‌های آن و چگونگی ارتقای روابط مناسب اعضای خانواده و بررسی حقوق متقابل و میزان اثرپذیری و اثرگذاری آنان، زمینه برنامه‌ریزی درست را برای مسئولان اعم از بخش خصوصی و دولتی فراهم می‌کند. در قرآن کریم، از اعضای خانواده صالح و شایسته به‌عنوان همراهان ابدی و همیشگی یاد شده است که «جنات عدن» می‌زبان آن‌ها خواهد بود: «نَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ» (مؤمن: ۸)

روایت‌هایی نیز که نشان‌دهنده وظایف متقابل اعضای خانواده است، اهمیت و جایگاه خانواده را در اسلام می‌رساند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «به جز صدیقان، شهیدان و مردانی که خداوند، خیر دنیا و آخرت را برای آنان اراده کرده است، کسی دیگر به خانواده‌اش خدمت نمی‌کند.» (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲، باب ۶)

پدران و مادرانی که ارتباطشان با معارف دینی و آیین خداوندی ضعیف است و اسلام را منحصر به چند رکعت نماز و روزه و حج خشک و بی‌روح و امثال آن پنداشته‌اند و نه آیین کاملی که برای تمام شعون انسان و زندگی دستور العمل داده و پابندی به آن سعادت و خوشبختی انسان در دنیا و آخرت می‌شود، در تعلیم و پرورش صحیح اسلامی استعداد‌های فطری و تغذیه روحی خود و خانواده کوتاهی می‌کنند و بیشتر به جنبه جسمانی و تأمین نیازهای مادی و یادگیری علوم روز توجه می‌کنند در نتیجه خود و خانواده را از کمالات معنوی و اخروی محروم کرده و غالباً به آتش فسادها و آلودگی‌ها گرفتار شده یا می‌شوند. حتی بسیاری از آن‌ها با دست خویش زمینه‌های انحراف و آلودگی به فحشا را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند؛ مثل تهیه فیلم‌های مستهجن، آتن ماهواره، وامکانات سوء از اینترنت، شرکت در مجالس لهو و لعب و هم‌نشینی با اهل هوس که به فرموده حضرت علی (علیه السلام): «فراموش خانه ایمان و محل حضور شیطان است.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)

تعلیم و تربیت غربی به یادگار مانده از دوران سیاه رژیم ستم‌شاهی و خوگرفتن عده‌ای از خانواده‌ها با آن، به گونه‌ای که پاره‌ای از خانواده‌های اهل نماز و عبادت هم بی‌حجابی و ابتدال در پوشش را چندان مهم نمی‌شمرند، خود از جمله عوامل ترویج این پدیده است.



حجاب و عفاف در استحکام بنای خانواده نقش مؤثری دارد و هر چه حجاب در جامعه رعایت شود و عفت بماند تزلزل در خانواده کمتر خواهد شد پس نقش حجاب و عفاف در تحکیم خانواده نقش بسیار مهمی است.

بنابراین نخستین و موثرترین محیط تربیتی انسان، محیط خانوادگی است. خانواده به مثابه هسته اصلی و اولیه جامعه بوده و حالات فکری و روانی کودک را از هنگام تولد تا سالیانی چند شکل می‌دهد. لذا توجه به نوع و چگونگی شناختی که خانواده از حجاب به فرزند خود می‌دهد در گرایش یا دوری او از حجاب امری ضروری است زیرا همان‌گونه که مشاهده می‌شود شیوه‌های نادرست برخی خانواده‌ها در ترویج فرهنگ حجاب، اثر منفی در گرایش فرزند خود به حجاب و بعضاً برخورد تهاجمی نسبت به این موضوع شده است.

### ۳.۳. بعد الگوسازی

انسان پیوسته در این اندیشه است ارزش‌هایی را که باور دارد در چهره ای مجسم بنگرد. مسئله الگو در اخلاق اسلامی و روان‌شناسی نیز جایگاه مهمی دارد. از این رو، قرآن کریم زنانی شایسته چون آسیه همسر فرعون و حضرت مریم علیها السلام را معرفی و از آنان تجلیل نموده است. در قرآن درباره زنان نمونه آمده است: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتٍ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ: وَ خداوند برای مردم باایمان، همسر فرعون را مثل می‌زند. آن گاه که گفت: پروردگارا! مرا نزد خود در بهشت جای ده و از فرعون و کردارش نجاتم بخش و از مردم ستم پیشه رهایم ساز. (و سرمشق دیگر) مریم دختر عمران (است)؛ آن که دامنش را پاک نگاه داشت و ما از روح خویش در او دمیدیم و نشانه‌های پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از پارسایان بود.» (تحریم: ۱۱-۱۲)

از راه‌های ترویج پوشش و حجاب اسلامی، پیروی از الگوهای وارسته است. از این رو، وظیفه نهادهای فرهنگی است که در معرفی این الگوها بکوشند و اگر در این راه سستی بورزند، دشمن به راحتی فرصت می‌یابد تا الگوهای دلخواه خود را به جوانان و نوجوانان معرفی کند. یکی از امتیازهای ادیان الهی این است که نه تنها الگو معرفی کرده‌اند، بلکه الگوهایشان در جنسیت‌های مختلف است. خدای متعال حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را آفرید تا هم الگوی زنان



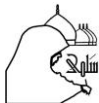
باشد و هم مردان، چنان که علی ابن ابی طالب (علیه السلام) نیز هم الگوی مردان است و هم زنان؛ زیرا این دو جنس، مکمل یکدیگرند.

البته باید ابتدا روح حاکم بر گفتار و کردار الگو را شناخت و از پشتوانه آن مطمئن شد تا بتوان از جنبه‌های مختلف زندگی او، به قوانین و درس‌های کلی و عمومی دست یافت. الگو باید در مقایسه با دیگران، فردی برگزیده و شخصیتی ممتاز باشد. فاطمه (علیها السلام)، از عالی‌ترین الگوهای اسلامی است که به حق، مسلمانان از آن کمتر بهره برده‌اند. الگو بودن حضرت زهرا (علیها السلام) تنها به نوع وسایل، پوشش یا امور مادی، زوال‌پذیر مربوط نیست، بلکه آنچه فاطمه را فاطمه کرده است، اموری است زوال‌ناپذیر که کمتر بدان‌ها توجه می‌شود. بی‌شک، پیروی از الگوهای کامل اسلامی، سرمشقی نیکو در تنظیم رفتار، منش، پوشش و حجاب جامعه دینی است.

خانواده‌ها باید هوشیار باشند و اجازه ندهند دشمن به اهداف شوم خود دست یابد. دستگاه‌های فرهنگی نیز باید در راستای مبارزه با بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه برنامه‌ریزی صحیح و اصولی داشته و با ارایه طرح‌ها و برنامه‌های مختلف فرهنگی به مبارزه با شیخون فرهنگی بپردازند. الگوسازی از اسطوره‌ها و مفاخر اسلامی یکی از برنامه‌های مهم فرهنگی است که باید در رابطه با آن برنامه‌ریزی کرد. جوانان همچون آئینه صاف و زلال هستند و فطرتاً پی‌جوی خیر و نیکی‌اند. امروز جوانان ما نیاز جدی به نماد و الگوهای برجسته اخلاقی و رفتاری دارند. اسلام با حفظ حرمت زنان و شخصیت آنان و دور شدن از نگاه‌های هوس‌آلود به او دستور پوشش لازم داده و آیاتی که در سوره نور به این مسئله اشاره دارد در همین ارتباط است. اگر جامعه‌ای بخواهد به سمت کمال و سعادت حرکت کند بی‌شک باید از هرچه که مانع و مزاحم است دوری کند و بی‌حجابی و کمی عفت در بین جامعه مانع رشد و کمال آن جامعه خواهد شد.

یکی از تأسف‌های جدی عصر حاضر این است که زن مسلمان به‌طور بایسته با چهره‌های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست. زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) و فرزند برومندش، پیام‌آور عاشورا حضرت زینب (علیها السلام) باید برای زن مؤمنه نشان داده شود تا بنگرد با حفظ هویت و شخصیت و وقار می‌تواند در جامعه حضور پیدا کند و ایفای نقش کند.

باتوجه به دردسترس بودن این الگوهای اسلامی، مشاهده می‌شود زنان و دختران مسلمان الگوهای غیر اسلامی و الهی که بوی از انسانیت ندارند را الگوی خود قرار داده و تمام



حرکات و سکنتات او را سرمشق می‌کند. این موضوع نه تنها سبب تأثیر گیری در نحوپوشش و این افراد شده، بلکه در حرکات و سکنتات آنان نیز مؤثر واقع شده است به گونه‌ای که پیروی کردن از برخی از این الگوها مانند مدل و الگو قرار دادن بازیگران و هنرپیشگان و... که دارای حداقل حجاب و پوشش هم نیستند آسیب منفی و زیان باری بر زنان محجبه داشته است.

### ۴.۳. بعد اجتماعی

مجموعه دوستان، هم کاران، هم شهریان و هم نوعانی که نسبت نسبی و سببی با فرد ندارند، در تعریف این بخش اجتماعی جای می‌گیرند. گفتنی است این حوزه نیز بر اساس ویژگی‌های مشترکی هم چون علاقه و رابطه عاطفی، کار، موقعیت جغرافیایی، ملیت و هویت مشترک شکل می‌گیرد و بدین ترتیب، زمینه اثرگذاری و اثرپذیری پدید می‌آید.

هر یک نیز در برابر دیگری وظایف مشخصی دارند که عمل به این وظایف و محترم شمردن آن‌ها ضامن سعادت و سلامت فرد و اجتماع خواهد بود. میزان اثرگذاری بعداجتماعی، از میزان اثرگذاری متقابل اعضای خانواده کم تر نیست. مشخص کردن حقوق و وظایف متقابل اعضای خانواده نیز بیانگر این اثرگذاری و اثرپذیری است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: «ان المعصية اذا عمل بها العبد سرا لم تضر الا عاملها و اذا عمل بها علانية و لم یغیر علیه اضر بالعام: همانا هنگامی که گناهی پنهانی باشد، جز گناه کار آسیب نمی‌بیند و هنگامی که آشکارا باشد و اعتراض و تغییری بر ضد آن نشود، به همه مردم آسیب می‌رسد.» (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۹۷، ص ۷۸، ح ۳۵)

به‌طور کلی، روابط متقابل فرد، خانواده و جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو، افراد از خانواده و جامعه اثر می‌پذیرند و از سوی دیگر، همین افراد تعیین کننده برنامه‌های خانواده و سیاست‌های اجتماعی در سطح کلان، هستند.

در توجیه اجتماعی بودن حکم حجاب به امروز می‌توان اشاره کرد. برخی از این امور، بیان مستقلی در توجیه اجتماعی بودن حکم حجابند و برخی، رد توجیه‌های فردی بودن آن و برخی، ترکیبی از آن دو هستند:

الف) بی‌شک، حجاب، مصلحت دارنده آن را تأمین می‌کند، ولی این بدان معنا نیست که برای دیگران خالی از مصلحت است. اگر زنان در جامعه با پوشش اسلامی ظاهر شوند، یکی از زمینه‌های تحریک جنسی در جامعه کنترل می‌شود و بدین وسیله، سلامت روانی و اخلاقی و دینی جامعه از این جهت تأمین می‌گردد. در واقع، بی‌حجابی مانع سلامت جامعه است و حجاب





این مانع را بر می‌دارد و این، مصلحت اجتماعی انکارناپذیری است. پس حجاب هم مصلحت فردی دارد و هم مصلحت اجتماعی. حکمی که مصلحت اجتماعی دارد، حکم اجتماعی خواهد بود، گر چه مصلحت فردی دیگری نیز داشته باشد.

ب) خداوند میان حجاب زن آزاد و غیر آزاد فرق گذاشته است. هم‌چنین حرمت نگاه به زنان کافر را به دلیل عدم احترام آنان برداشته است. این موارد نشان می‌دهد که حرمت نگاه و وجوب حجاب، با احترام زن مرتبطند.

ج) رعایت حجاب، در سالم‌سازی فضای دینی و اخلاقی جامعه و خانواده و تعادل روانی آن نقش بسزایی دارد. در مقابل، رعایت نکردن حجاب، به فراخور هر یک از مراتب بی‌حجابی، سلامت خانواده و جامعه و تعادل روانی آن را به همان اندازه تهدید می‌کند. این امر سبب می‌شود رعایت نکردن حجاب، ستم به دیگران به شمار رود؛ زیرا گرچه بی‌حجابی، علت تامه نابسامانی اخلاقی و نبود تعادل روانی جامعه و خانواده نیست، ولی علت ناقصه آن است.

به بیان دیگر، هر مردی که با دیدن یک زن بی‌حجاب، به هر یک از مراتب گمراهی جنسی، دچار و حرامی انجام دهد، آن زن به او **ستم** کرده است. هم‌چنین هر زن باحجابی که با دیدن یک زن بی‌حجاب، قبح بی‌حجابی در نظرش شکسته شود و حجاب خود را رها کند، آن زن به او ستم کرده است. البته در این موارد، ستم او از وزر آنان نمی‌کاهد. از این که بی‌حجابی، ستم به دیگران (**حق الناس**) است، درمی‌یابیم که حجاب از احکام اجتماعی است.

ز) اگر مردم جامعه‌ای اسلام را پذیرفتند و با آرای خود نشان دادند که می‌خواهند احکام اسلام در جامعه آنان رعایت شود، از دیدگاه عقلای آن جامعه، هر کس کاری انجام دهد که مانع این خواست عمومی شود، به آنان ستم کرده است. فرض این است که بی‌حجابی، سلامت اخلاقی جامعه را به هم می‌زند. همین ستم‌انگاری نشان می‌دهد که حجاب از امور اجتماعی است.

ح) در کنار توجیه‌هایی که برای اجتماعی بودن حجاب بیان شد، مؤیداتی نیز برای آن وجود دارد:

یک — امروز حجاب در برخی از کشورهای غیر اسلامی مانند کشورهای اروپایی، نه تنها یک مسئله اجتماعی، بلکه یک شعار اجتماعی به شمار می‌آید و به همین دلیل، رعایت آن را در مدارس و دانشگاه‌ها ممنوع کرده‌اند.





دو - امروز اموری که توجیه‌های ضعیف‌تری برای اجتماعی بودن دارند، اجتماعی به شمار می‌روند. برای مثال، استفاده از کمربند یا کلاه ایمنی در رانندگی، بیمه درمانی و شخص ثالث، لباس ایمنی هنگام کار و ده‌ها مورد دیگر که منافع آن صرفاً به شخص بهره‌مند از آن می‌رسد و توجیه اجتماعی بودن آن بسیار ضعیف‌تر از حجاب است، همگی در حیطه اختیارات حکومت، بلکه وظایف آن است. حکومت می‌تواند این امور را برای سلامت اجتماع الزامی کند و حتی متخلفان را مجازات کند و نه تنها هیچ تنشی ایجاد نشود، بلکه سبب تحسین حکومت نیز شود.

### ۳. ۵. بعد حکومتی

ترویج فرهنگ حجاب در جامعه اسلامی، نیازمند حرکتی گروهی، پویا، هدف مند و روش مند است. از این رو، تلاش همه جانبه نهادهای حکومتی و دولتی از یک سو و شهروندان از دیگر سو، همراه با تعامل، تفاهم و همدلی سبب می‌شود که فرهنگ حجاب گسترش یابد.

بدیهی است دخالت و نظارت سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه و حرکت مردمی و درخواست

جدی و پی گیر آنان می‌تواند به تغییر وضع موجود و نزدیک شدن به وضع مطلوب بینجامد.

نخستین وظیفه حکومت اسلامی در آسیب شناسی، درک ضرورت کار فرهنگی و دینی است. حکومت اسلامی در صورتی می‌تواند به چنین درکی برسد که نهادها با همین هدف راه اندازی شده باشند؛ نهادهایی که به‌طور علمی و تخصصی به تحلیل و بازبینی شرایط جامعه اسلامی بپردازند و خلأهای موجود را بشناسند. اعضای این نهادها باید با عناصر و احکام دینی آشنا باشند و پیوسته وضعیت جامعه دینی را بررسی کنند و پس از تطبیق دادن آن با قواعد و داده های دینی و یافتن کاستی ها و توانمندی های جامعه، برای هماهنگ کردن شهروندان با قواعد جامعه دینی بکوشند.

درک ضرورت کار فرهنگی در زمینه حجاب، در بسترسازی فرهنگی نقش اساسی دارد. حکومت اسلامی پس از رسیدن به این احساس ضرورت باید برای نهادینه سازی فرهنگ حجاب در جامعه، برنامه ریزی و برای پژوهش های بنیادین دینی سرمایه گذاری کند. البته برنامه ریزی علمی جامع، زمان بر و پرهزینه است و به عزم راسخ دولت مردان حکومت اسلامی نیاز دارد.

حجاب، رفتار بیرونی و عینی است که از ارزش‌های دینی و به عبارتی، از ضروریات دین به شمار می‌آید. حیا، عفاف و حجاب، به هم پیوسته اند و هر یک، پیش نیاز دیگری به شمار می‌رود. به این معنا که با برنامه ریزی عمیق و گسترده حکومت برای ایجاد فرهنگ حیا در

سطح جامعه می‌توان به جامعه ای پاک دست یافت و جامعه عقیف در نمود بیرونی اش با حجاب دیده می‌شود. در واقع، حجاب مبتنی بر عفاف و عفاف بر پایه حیا استوار است و هیچ یک از این سه پدیده، به جنسیت، زمان و مکان بستگی ندارد.

اگر مسئولان برای رسیدن به ارزش‌های دینی برنامه ریزی داشته باشند، مرحله درک ضرورت، درست پیموده می‌شود. هنگامی مسولان و دولت مردان بانگاه دغدغه مند به مسائل جامعه بنگرند و ضرورت نهادینه سازی و گسترش باور حجاب را درک خواهند کرد و برنامه های علمی و عملی را در همین راستا به کار خواهند بست.

اگر حکومت، نیروی خود را بر پدیده ای فرهنگی متمرکز کند، به علت گستردگی دامنه آن، زمینه رسیدن به مطلوب بیش از پیش فراهم خواهد شد. پدید آمدن چنین تمرکزی به نگرش دولت مردان و جهان بینی آنان بستگی دارد. یافتن عوامل بدحجابی و بی توجهی به عفت عمومی و نیز عواملی که جامعه را از الگوی جامعه دینی دور می‌سازد و تحلیل آن ها برای برنامه ریزی در بخش های دیگر، در درک ضرورت پرداختن به مباحث مربوط به نهادینه سازی و گسترش و ترویج فرهنگ حجاب، نقش مهمی دارد.

حکومت پس از درک ضرورت نهادینه سازی و گسترش باور حجاب، مرحله عملیاتی و اجرایی را آغاز می‌کند. در امور فرهنگی، آموزش و هدایت در رأس امور اجرایی قرار دارد؛ زیرا هر مسئله فرهنگی در صورتی پایدار و آسیب ناپذیر خواهد بود که مبتنی بر آگاهی و دانش باشد.

### ۳. ۵. ۱. امر به معروف و نهی از منکر

درباره امر به معروف و نهی از منکر، مطالب زیر مفروض گرفته می‌شود؛ زیرا مورد اتفاق یا مشهور است: وجوب، اهمیت و نقش امر به معروف نهی از منکر در ترویج فرهنگ اسلامی که مورد انکار هیچ مسلمانانی نیست. حکومت نیز مانند مردم در اجرای امر به معروف و نهی از منکر مسئول است.

### الف) مراتب امر و نهی

امر و نهی دارای مراتبی است که تا مرتبه ضعیف تر آن ممکن باشد، به مرتبه شدیدتر اقدام نمی‌شود. این مراتب عبارت‌اند از: قلبی، زبانی و عملی. امر و نهی قلبی آن است که خشنودی خود را از معروف و ناخشنودی خود را از منکر بیان کند، به گونه‌ای که شخص را به معروف وادار کند و از منکر باز دارد. (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۳۶۸-قرطبی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۸)

در این جا هر سه مرتبه قلبی، زبانی و عملی برای حکومت مطرح می‌شود. در مرتبه امر و نهی





قلبی، سیاست‌گذاری‌ها و قوانین حکومت باید به گونه‌ای باشد که شخص مطیع و متخلف مانند باحجاب و بی‌حجاب، رضایت‌مندی و بیزاری حکومت را نسبت به رفتار خود مانند پوشش احساس کنند. مردم نیز باید این حالت را رعایت کنند تا فشار روانی **گناه** و جرم رفتار ناهنجار همواره بر گرده متخلف سنگینی کند.

متأسفانه امروز فضای برخی از مجامع ما به گونه‌ای است که زن باحجاب، خود را در نگاه‌ها و برخوردها، با این پرسش روبه‌رو می‌بیند که چرا این پوشش را انتخاب کرده است. در مقابل، زن بی‌حجاب، خود را از فشار روانی این پرسش آسوده می‌بیند. از همین رو است که پس از چندی که شخص باحجاب در آن جمع ماند، اگر حجاب او زیربنای اعتقادی قوی نداشته باشد یا همراه با افتخار و شجاعت نباشد، بی‌آن‌که چیزی به او گفته شود، برای آسودگی از این فشار، پوشش بی‌حجابان را برمی‌گزیند. این پدیده، معجزه امر و نهی قلبی است که باید در ترویج همه مظاهر اسلامی به کار گرفته شود.

امر و نهی زبانی پس از قلبی است. اگر امر و نهی قلبی حکومت و مردم به سوی بی‌حجابی باشد، امر و نهی زبانی، هرچند به حق باشد، نوعی تحمیل به شمار خواهد آمد. از این سنگین‌تر، امر و نهی عملی بدون رعایت مراتب قلبی آن است.

## ب) شرط احتمال تأثیر

در اشتراط احتمال تأثیر در وجوب امر و نهی دو قول متصور است:

قول اول - مشهور فقیهان، احتمال تأثیر را شرط وجوب امر و نهی گرفته‌اند، به گونه‌ای که اگر یقین و بلکه ظن (العاملی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۰۲) به بی‌تأثیر بودن داشته باشد، تکلیف بر او ثابت نمی‌شود. شاید گمان شود وضعیت بی‌حجابی در عصر حاضر از این قبیل است؛ یعنی دیگر امر و نهی در هیچ‌یک از مراتبش تأثیر ندارد و بلکه اثر معکوس می‌گذارد. پس دیگر رشد و غی در این مسئله کاملاً روشن شده و حجت به اتمام رسیده و هر کس مسئول رفتار خود است. اگر آن کس که امر و نهی را ترک می‌کند، حکومت اسلامی باشد، سکوت او هم اهانت به احکام است و هم تأیید گناه و هم مردم را در یک تضاد میان ادعا و عمل، به حکومت بدبین می‌کند. گذشته از آن‌که امر و نهی در چنین فرضی، اتمام حجت بر گناه کار است و اتمام حجت، نوعی لطف است. هم‌چنین گاه یک بار امر و نهی اثر ندارد، ولی تکرار آن ثمربخش است و در آخر، امر و نهی از سوی حکومت در چنین فرضی، عذر نزد پروردگار است.

حکومت در زمینه الگوسازی نیز باید به گونه‌ای عمل کند که ارزش‌های حاکم بر جامعه، منطبق بر ارزش‌های اسلامی و ضد ارزش‌های جامعه نیز مطابق با ضد ارزش‌های اسلامی باشد. هم‌چنین معیار و ضابطه تسهیلات و حمایت‌های حکومتی را ارزش‌های اسلامی مانند ترویج فرهنگ حجاب قرار دهد تا مردم مشتاقانه خواهان اجرای احکام اسلامی باشند.

### ۳. ۵. ۲. فعالیت‌های حکومت در زمینه آموزشی

نقش آموزش و پرورش در ترویج فرهنگ حجاب بسیار مهم است. از آن جا که مدرسه‌های دولتی و نیمه دولتی زیر نظر دولت کار می‌کنند، در برنامه‌های هدایتی باید به وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توجه ویژه داشت. در بحث آموزش با سه بخش روبه‌رو هستیم؛ مخاطبان، متن آموزشی و روش آموزشی. برای برنامه‌ریزی آموزشی باید هر سه بخش را شناخت.

مخاطبان آموزش می‌تواند فرد، خانواده یا جامعه باشد. بدیهی است هر فرد آموزش دیده نیز با افراد دیگر، تفاوت‌های سنی، تحصیلی و فرهنگی دارد که این تفاوت‌ها در انتخاب نوع آموزش مؤثر است.

حکومت اسلامی می‌تواند از رسانه‌ها، مجتمع‌های آموزشی و هر مکانی که افراد در بیرون از خانواده با آن‌ها ارتباط دارند، بهره بگیرد و مخاطبان فردی را آگاه سازد. هم‌چنین در بخش خانواده می‌تواند کتاب را در سبب فرهنگی خانواده‌ها قرار دهد یا از رسانه ملی برای رشد سطح دانسته‌های آنان در زمینه ترویج فرهنگ حجاب استفاده کند. در بخش جامعه نیز با صدور بخش نامه‌ها و آیین نامه‌های اداری، وارد عمل می‌شود.

در زمینه متن‌های آموزشی، بررسی محتوایی متن‌ها، ضرورت دارد. تجزیه و تحلیل نسل‌ها، متفاوت است. از این رو، نسل امروز نسبت به نسل پیشین، به دانشی روزآمد نیاز دارد. ادبیات نسل‌ها نیز با هم متفاوت است. امروزه به علت وجود برنامه‌های آموزشی در رسانه‌های ملی و فراملی، نرم افزارهای آموزشی و بازی‌های فکری و آموزشی، تصحیح و تغییر متن‌ها مناسب با فرهنگ دینی و سلامتی ضرورت دارد. درباره روش‌های آموزش در رواج فرهنگ حجاب و پوشش نیز به تناسب ویژگی‌ها و نیازهای نسل‌های جدید، امکانات آموزشی و ابزار موجود می‌توان روش مناسب را برگزید.



از آن جا که مهم‌ترین دستگاه دولتی در زمینه امور آموزشی، آموزش و پرورش است، باید به آن توجه ویژه داشت. آموزش و پرورش، فعالیت آموزشی، هدایتی و ارشادی خود را می‌تواند در موارد زیر سامان دهی کند:

بررسی و اصلاح کتاب‌های درسی و قرار دادن موضوع‌های مربوط به حجاب، به صورت جذاب، نامحسوس و متناسب با موضوع کلی درس، لازم است. استفاده از عکس‌هایی که غیرمستقیم از فرهنگ حجاب یاد کنند و این فرهنگ را بستایند، جزو کارهای مهم به شمار می‌آید. این حرکت، به دانش آموز می‌فهماند که تنها در جامعه‌های عقیف می‌توان پیشرفت کرد. توجه به پس زمینه کتاب‌های کودکان و نوجوانان و بهره‌مندی از تصویرهای باحجاب برای شخصیت‌های منطقی و دانا و نیز گردآوری درس‌ها به صورت گفت و گوهای دینی، بخشی از اصلاحات متون آموزشی است.

تشکیل کلاس‌های آموزشی یا نشست‌های هدف مند علمی با موضوع حجاب یا دیگر موضوع‌های دینی، با مدیریت استادان فرهنگ و اندیشه دینی، کار دیگری است که در این نشست‌ها باید انجام شود. بهتر است تمام شبهه‌ها و نظرهای مخالف، مطرح و سپس به آن‌ها پاسخ داده شود.

تشکیل نشست‌های علمی درون سازمانی در هر آموزش‌گاه و مجتمع آموزشی به تناسب سن مخاطبان و تبلیغات مناسب و قرار دادن امتیازهایی برای جلب توجه مخاطبان، یکی دیگر از راه کارهای ترویج فرهنگ حجاب است. این حرکت در دانشگاه‌ها انجام می‌شود و دانشجویان بسیاری جذب شده‌اند و اندیشه آن‌ها را جهت داده است. جهت دادن به پژوهش‌های دینی دانش‌آموزان و پشتیبانی مالی و معنوی از پژوهش‌ها نیز سودمند است.

نکته مهم و قابل توجه در بخش سیاست‌های هدایتی حکومت، آموزش درست و به دور از افراط و تفریط و متناسب با دانسته‌های دینی است که توجه به این مهم تأثیر بسزایی در کاهش آسیب‌های ترویج فرهنگ حجاب دارد. برای مثال، در مقوله حجاب، با عنصر شهوت و خودآرایی روبه‌رو می‌شویم که تبیین جایگاه هر یک از این عناصر، ضروری است. گفته‌اند که عقلانیت اسلامی، قوه شهوت را به طور ذاتی ناپسند نمی‌داند، بلکه سرکشی شهوت سبب تباهی انسان می‌شود. نقش شهوت افزون بر تداوم نسل در تشکیل علایق جمعی (مانند خانواده) و تلطیف روابط انسان‌ها بسیار مهم است و موجب پرورش قوه خیال و تحرکات



احساسی می‌شود و سرکوب آن نیز به سستی، خشونت یا دل‌مردگی می‌انجامد. پس ساختار آموزش و پرورش در این زمینه نیز باید بر اساس هدف‌های آفرینش باشد.

به‌طور کلی، نقش هدایتی حکومت در حوزه آموزش و پرورش، با مفهوم شناسایی علمی و آشنایی با قلمرو و محدوده موضوع‌های مربوط به فرهنگ حجاب، آغاز می‌شود و پس از بیان تعریف مناسب و کارشناسانه، به عرضه محصول‌های آموزشی مکتوب و غیرمکتوب می‌انجامد و شیوه‌ها و روش‌های آموزش مستقیم و غیرمستقیم، تحلیل و بررسی می‌شوند.

### ۳.۵.۳. فعالیت‌های حکومت در زمینه رسانه‌ای و هنرهای تصویری

رسانه‌های تصویری هم چون تلویزیون و سینما به‌عنوان یکی از ابزارهای آموزشی با گروه گسترده‌ای از مخاطبان ارتباط دارند. گفتنی است تأثیر آموزش در مکان‌های آموزشی و تبلیغ در مناسبت‌های گوناگون، ماندنی‌تر و عمیق‌تر از تأثیر رسانه‌هاست. البته نباید از یاد برد که گستره آموزش از راه رسانه تصویری، وسیع‌تر است و زمینه تحولات آنی را فراهم می‌سازد که معمولاً این حالت‌ها پایدار نیستند، مگر آن‌که به‌طور پیوسته، پیام‌های مثبت دینی را منتقل کنند. از رسانه‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای بیدار کردن خفتگان می‌توان بهره برد، ولی بیان اینکه چگونه باید حرکت کرد و در طول سفر معنوی با چه کسانی باید پیوند داشت، در برخی موارد، از عهده سیما و سینما برنمی‌آید. هر حقیقتی را نمی‌توان به تصویر کشید، بلکه پس از ایجاد تشنگی روحی برای افراد، باید آن‌ها را به سرچشمه رساند. رسانه‌ها به نظارتی مستمر و موثر از جانب حکومت و دولت نیازمند است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

#### الف) نظارت بر ورودی‌های فرهنگی و هنری: ورودی‌های فرهنگی و هنری و

حتی اندیشه‌های وارداتی، در موارد بسیاری، نه تنها با باورهای عمیق دینی تناسب ندارد، بلکه گاه نوعی دین‌ستیزی یا دین‌گریزی در آن‌ها دیده می‌شود. سیاست استکبار جهانی بر بسیاری از محصول‌های فرهنگی وارداتی سایه افکنده و درصدد ویران کردن باورهای جامعه دینی است. بنابراین، نظارت بر واردات فرهنگی و تولید محصول هنری و یافتن دست‌های آلوده می‌تواند به بهبود وضع فرهنگ دینی در جامعه اسلامی کمک کند.

#### ب) نظارت بر بومی‌سازی تولید محصول فرهنگی و هنری: همواره نظام فکری

مبتنی بر باورهای دینی، تولیدکننده‌آثاری است که بیانگر فرهنگ و اندیشه دینی هستند. نظارت مسولان فرهنگی بر برنامه‌ریزان این عرصه و ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت‌های آنان می‌تواند به گسترش تولید محصول فرهنگ دینی بیانجامد و زمینه صدور آن‌ها را فراهم



سازد. این محصول‌ها پیوسته باید زیر نظر باشند تا آن چه بیش از همه با اندیشه دولت و جامعه اسلامی سازگار است، صادر شوند.

نکته مهم و قابل توجه در بومی سازی تولید محصول فرهنگی متناسب با شأن و فرهنگ دینی، دقت در استفاده از شیوه‌های جذاب و اثرگذار است. بهره‌گیری از نویسندگان، طراحان و کارگردانان باتجربه و آگاه، برای این حرکت فرهنگی لازم است. کار فرهنگی ضعیف، کلیشه‌ای و شعاری، نه تنها برای نسل امروز تأثیر مثبت ندارد، بلکه سبب دوری شهروندان از فرهنگ اصیل دینی می‌شود. بنابراین، با حمایت مالی و معنوی نهادهای دولتی از برنامه‌های مربوط به فرهنگ دینی و تهیه‌کنندگان این برنامه‌ها می‌توان محصولی سالم، مؤثر و جذاب در جهت ترویج فرهنگ عفاف و حجاب را تولید و به جامعه دینی عرضه کرد و با نظارت دستگاه‌های مسول می‌توان امیدوار بود که این برنامه‌ها و تولیدها کاستی نداشته باشند.

**ج) نظارت بر نقش‌ها و برنامه‌های حفاظتی دولت:** نقش دیگر دولت مردان در زمینه فرهنگ حجاب، حفظ باورهای دینی است. حفظ فرهنگ حجاب که نهادینه شده و گسترش یافته است، باید از راهکارهای حفاظتی بهره‌برد. بهره‌گیری از نیروهای انتظامی، به کار بستن قوانین تدوین شده برای حفظ فرهنگ دینی، پی‌گیری اجرای آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های مربوط و در نظر گرفتن مجازات برای متخلفان، از جمله نقش‌های حفاظتی حکومتی و دولتی است. در این بخش، هماهنگی با دستگاه‌های قضایی و شوراهای حل اختلاف نیز ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا این دستگاه‌ها موظف به حفظ امنیت روانی، مالی و جانی جامعه از طریق مجازات مجرمان هستند. روشن است کسانی که به حریم عفت عمومی تجاوز می‌کنند و امنیت روانی جامعه را به خطر می‌اندازند، باید مجازات شوند.

به یقین، اگر حکومت اسلامی در این مرحله، جدی‌تر و هدفمندتر از گذشته کار کند، بنای فرهنگی ساخته شده، حفظ خواهد شد و در غیر این صورت، در زمان کوتاهی ویران می‌شود. گفتنی است اگر حکومت اسلامی و متولیان فرهنگ دینی در مرحله نخست که نهادینه سازی باورهاست، کارشناسانه و آگاهانه عمل کنند و حقیقت وجودی درون افراد را به آنان بشناسانند، در مرحله نهایی، مشکلات کم‌تری خواهند داشت؛ زیرا کسانی که به ارزش حقیقی و شرافت حیا، عفاف و حجاب پی‌ببرند و آن را ارزشمند بینند، بهترین حافظ آن خواهند بود و در هر حالتی برای حفظ آن تلاش می‌کنند. در واقع، اگر حس «خود ارزشمندی» در





مسئله حجاب، برای جوانان به‌ویژه دختران ایجاد شود، فضای حاکم بر جامعه از سلامت و بهداشت روانی برخوردار خواهد شد.

### ۳. ۵. ۴. نظارت یا دخالت حکومت در ترویج فرهنگ حجاب؟!

برخی براین دیدگاه نادرست پافشاری می‌کنند که دخالت حکومت در امر حجاب و مبارزه با بدحجابی، موجب عناد و جری شدن افراد و زمینه ساز هرج و مرج بیش‌تر خواهد شد. بنابراین، لازم است دولت، وارد این عرصه نشود. غافل از آن که اهداف اساسی برپایی حکومت دینی، حفظ مظاهر دینی و پاسداری از شعائر اسلامی بوده است: «الذین إن مکناهم فی الارض أقاموا الصلاه واتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر: مؤمنان کسانی اند که اگر به آنان در زمین، قدرت و مکتت دادیم، نماز برپای می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.»

برنامه ریزی همه جانبه و متعادل در مبارزه با پدیده بدحجابی، کاری معقول، مشروع، منطبق بر فطرت، هم‌آهنگ با آداب و سنن ملی و مورد حمایت مراجع معظم تقلید و اکثریت متدین جامعه است، مشروط بر آن که مسئولان و متولیان فرهنگی کشور، با هم‌آهنگی و انسجام و با شهامت و شجاعت وارد میدان شوند و با بی‌اعتنایی کامل به فشارها و جوسازی‌های دشمنان، به تکالیف الهی عمل می‌کنند.

گفتنی است، حساسیت و ظرافت این مسئله ایجاب می‌کند که حکومت در مبارزه با بی‌حجابی و گسترش و ترویج فرهنگ حجاب، از برنامه‌های کوتاه مدت و درازمدت استفاده کند:

**الف) برنامه‌های کوتاه مدت:** چگونگی تدوین برنامه‌های کوتاه مدت، خود نیازمند مطالعه و بررسی است، ولی آن‌چه می‌تواند مورد توجه مسئولان قرار گیرد و در انتظار آثار مطلوب آن بود، امور زیر است:

۱. نظارت بر تولید، واردات و عرضه البسه مبتذل و ناهمخوان با فرهنگ اسلامی و ملی و برخورد‌های باز دارنده با اشخاص حقیقی و حقوقی که در این عرصه فعالیت می‌کنند.

۲. وضع محدودیت‌هایی در استفاده از امکانات و خدمات دولتی برای اشخاص بدحجاب؛

۳. مع‌الاسف، در نتیجه سیاست تساهل و تسامح، پدیده بدحجابی به اماکن دولتی نیز سرایت کرده و ارباب رجوع، ناباورانه بازلف‌ها و چهره‌های بزک کرده برخی از کارمندان زن مواجه می‌شوند. حکومت اسلامی می‌تواند با صدور بخش‌نامه‌ای جدید به دستگاه‌های تحت



پوشش، مبنی بر لزوم رعایت پوشش اسلامی برای بانوان کارمند و برخورد جدی با مدیران و رؤسای متخلف حل نماید.

(ب) برنامه های درازمدت:

۱. ضروری است حال که بیش از یک ربع قرن از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با همکاری و هم فکری حوزه علمیه و مجلس شورای اسلامی، الگویی مناسب و منطبق بر موازین دینی و ملی برای پوشش بانوان تهیه و تدوین کند و پس از تصویب این لایحه، صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها، به‌طور هم‌آهنگ آن را برای مردم تشریح نمایند و با طی مرحله اطلاع رسانی، مقطع زمانی مناسبی مثلاً شش ماه، به امر ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر زبانی اختصاص دهد و پس از این مدت، در کنار ارشاد، مرحله برخورد نیروی انتظامی با متخلفان و اقدامات قضایی نیز شروع شود.

برای چگونگی اجرای مرحله ارشاد پیشنهاد می‌شود که ستاد یا سازمان امر به معروف و نهی از منکر در هر یک از نقاط ورودی یا خروجی اماکن و معابر پرتردد مانند بازارها، زیارتگاه‌ها و پارک‌ها، با متانت لازم و خلق و خوی اسلامی و جویب و اهمیت حجاب اسلامی را به عابران، گوشزد نماید.

۲. بسیار مناسب است که نهادهای مسئول در تدوین کتب درسی دانش آموزان و دانش جویان، مطالبی مهم و مستدل در امر ضرورت حجاب در کتب دینی و اخلاقی آنان بگنجانند و آموزه‌های دینی در این باب را خاطر نشان سازند.

۳. مجلس شورای اسلامی نیز با مطالعه کارشناسانه و سپس قانون گذاری جامع و فراگیر در این باب و پس از تصویب قوانین، با نظارت جدی بر اجرای آن‌ها، می‌تواند کمک بزرگی به هدف مورد نظر نماید.

۴. رویکرد مثبت و کارشناسانه صدا و سیما به مقوله حساس ترویج فرهنگ حجاب، آثار و برکاتی دارد که برکسی پوشیده نیست؛ زیرا به مصداق «لاینتشر الحق الا من حیث انتشر الضلال: هدایت به جز از همان جایبراهی که گمراهی گسترش یافته است منتشر نمی‌شود.» (حکیمی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۵) باید بر تهاجم فرهنگی با سلاح فرهنگی مقابله کرد.

۵. بی‌تردید، نقش روحانیان نیز در این باب، نقش بسیار مهمی دارند. تجربه نشان داده، از عوامل مهمی که می‌تواند مسئولان امر را از سکون و انفعال، به حرکت و اقدام وا دارد، تذکرات مداوم مراجع معظم، هشدارهای عالمان و ائمه جمعه و جماعات است.



### ۶.۳. بعد رسانه

متأسفانه در زمان ما، آگاهانه یا ناآگاهانه، در محصولات رسانه‌ای، به‌ویژه در عرصه سینما، حجاب به‌عنوان مانعی برای پیشرفت و تجدد معرفی شده است، به‌گونه‌ای که یکی از شرایط لازم برای این که قهرمان زن فیلم، روشن فکر تلقی شود، این است که حجاب خود را به‌طور کامل رعایت نکند و این فکر به تدریج در ذهن زنان به‌ویژه جوانان و نوجوانان جای گرفته است. بنابراین، وظیفه رسانه‌ها این است که دوباره فرهنگ حجاب را احیا کنند تا بار دیگر، حجاب برای زن ایرانی، ارزش و افتخار تلقی شود، نه مانع پیشرفت و تجدد.

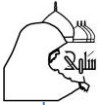
دوگانگی اجتماعی در زمینه حجاب به‌گونه‌ای است که حتی موقعیت‌های رسمی را هم شامل می‌شود. در کشور ما که سینما به نوعی از سوی مسئولان فرهنگی نظارت می‌شود، این تصور که محصولات آن منطبق بر اندیشه‌ی تصمیم‌گیرندگان فرهنگی کشور است، تصور نابخوابی نیست. در چنین شرایطی اکران شدن فیلم‌هایی که هنرپیشه‌های زن در آنها جلوه‌های مختلف بدحجابی را علناً به نمایش می‌گذارند، تماشاگران این فیلم‌ها را بیش از پیش در این دوگانگی فرو می‌برد.

در طول سال‌های اخیر، سینما حتی در زمینه حجاب، گاه سنت شکنی کرده و به نوعی پیشرو مطرح کردن جلوه‌های بدحجابی در جامعه بوده است.

لازم است حجاب را به‌عنوان یک فرهنگ و سنت در جامعه به تصویر بکشیم. لباس مناسب آن است که پوشاننده حریم انسان باشد، به نحوی که باعث جلب توجه محیط نگردد. نکته بسیار مهم این است که یکی از ابزارهای مناسب و مؤثر در گسترش فرهنگ یک جامعه، رسانه‌های جمعی است. اما متأسفانه آنچه از پوشش زن ایرانی در سینمای ایران مشاهده می‌شود، تنها ترغیب‌کننده مدهای غربی و تشویق‌کننده زنان ایرانی به بدحجابی و بی‌حجابی است.

### ۶.۳.۱. حجاب زن در دید رسانه: زن به‌عنوان موجودی خلاق، برخوردار از ظرفیت

های شخصیتی و دارنده بسیاری از کمالات و استعدادها در رسانه باید خصوصیات مثبت او به‌عنوان یک مادر، همسر و کسی که نقش‌های برجسته را عهده دار است، معرفی شود و از شخصیت پردازی‌های ناصحیح که زن را ظلم‌پذیر و ضعیف و یا در نقشی مصنوعی و دور از واقعیت نمایش می‌دهد، پرهیز کند.



زن به لحاظ ساختار تکوینی از ویژگی‌هایی برخوردار است؛ از شاخص‌ترین این خصوصیت‌ها، کمال جویی معنوی زن است. از آن‌جا که زن از احساس و تخیل بهره‌مند است؛ می‌تواند در مسیر کمالات معنوی بهتر و سریع‌تر گام بردارد؛ احساس و تخیلی که محور هنر و تربیت هنرمند است؛ اگر به این ساحت که جزو جوهره و ماهیت زنان است توجه کافی شود دیگر زن در عرصه هنر با نقش‌های منفی پرخاش‌گری، ساده‌لوحی و... ظاهر نمی‌شود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات عمیقی که در سیاست کلان کشور و فرهنگ عمومی مردم پدید آمد، رسانه ملی نیز دستخوش تغییر شد و عمده مظاهر فساد و برهنگی از صفحه تلویزیون کنار رفت و فعالیت‌های هنری و نمایشی به دور از ابتذال آغاز شد و گسترش یافت. ولی نکته مهمی که از آن غفلت شد، روش‌ها و ابزارهای رسانه در زمینه چگونگی جذب مخاطب و اثرگذاری بیشتر بر او بود که دچار تغییر چندانی نشد و کار اساسی صورت نگرفت. از این رو، به تدریج در تلویزیون شاهد ورود سکس پنهان بودیم، به این معنا که برخی فیلم‌سازان که با ممنوعیت استفاده از ظاهر و جذابیت‌های زنانه روبه‌رو شدند، برای جبران این خلأ و به جهت جذب مخاطب و فروش و سود بیشتر، به فاکتورهای همچون: محوریت زیبایی چهره در انتخاب بازیگر، به‌ویژه بازیگران جوان، پوشش‌های تنگ و نامناسب در عین حفظ حدود شرعی حجاب گر چه به تدریج به بهانه‌ها و به شیوه‌های مختلف حدود الزامی حجاب نیز نادیده گرفته شده است (، یکی از علل عمده در خطای دست‌اندرکاران و متولیان رسانه‌های تصویری و شنیداری، برداشت سطحی از مفهوم حجاب و مفاهیم مرتبط با آن از جمله: عفاف، حیا، خلوت، تبّرج، اختلاط و... می‌باشد که به عمق این مفاهیم و مصادیق و نمادهای آن شناخت ندارند.) به تصویر کشیدن روابط آزاد و صمیمانه زن و مرد در قالب همکار، دوست، همسایه و ...، طرح عشق‌های آتشین به دنبال يك نگاه، آرایش‌های غلیظ و محرک به بهانه گریم، استفاده از چهره‌های جذاب و بدون حجاب بازیگران خارجی در سریال‌های ایرانی و ضبط بخش‌هایی از فیلم‌ها در فضای عمومی کشورهای غرب‌زده که اخیراً مرسوم شده است روی آوردند و بدین ترتیب تلویزیون به‌عنوان رسانه تصویری عمومی و اثرگذار، در برخی موارد به یکی از عوامل ایجاد آسیب و ناهنجاری در حجاب بانوان و عفاف در سطح عموم تبدیل شد و همین امر بهانه‌ای گردیده است تا مخالفان حجاب، عملکرد تلویزیون را به‌عنوان شاهد استدلال‌های خود به رخ بکشند.



این حقیقت را باید از طریق برنامه های رسانه به ویژه به جامعه زنان تفهیم کرد که هر چه آدمی به لذایذ بیرونی و عرصه برونی وجود خویشتن بپردازد، از عرصه درون و خویشتن نگری بازخواهد ماند.

لازمه تکامل و حرکت سازنده، تعمق و اندیشه درونی و انصراف از تکثر بیرونی است و این همه زمانی میسر می شود که زن، در کنار زندگی متعارف و روزمره خود بخشی از برنامه زندگی اش را به مطالعه، اختصاص دهد.

رسانه در این جهت می تواند ارائه طریق نماید، ترتیب و تنظیم برنامه های آموزشی (با تأکید بر آموزه های دینی) آن هم در اوقاتی که نوعاً خانم ها امکان بهره برداری از آن را دارند و ساعاتی که از اشتغالات بیرون و احیاناً داخل منزل فارغ شده، از بهترین زمان ارائه برنامه است.

گاهی برنامه های تبلیغی و فرهنگی، زمینه تحقیر زنان و تضعیف موقعیت آنان را فراهم نموده است. از این رو، مناسب است با اجتناب از عرضه برنامه هایی که زنان را به سوی جلوه گری سوق می دهد هم چنین با پرهیز از نمایش زنان در فیلم ها و سریال ها و... به عنوان انسان هایی کم بهره از معرفت، احساسی و فاقد هویت، برجایگاه وهویت واقعی آنان تأکید نموده و زمینه های تعالی آنها را فراهم سازند.

رعایت وقار و متانت و حفظ پوشش که ضامن مصونیت اخلاقی و روانی زن به هنگام حضور در عرصه های مختلف اجتماعی است، بعضاً در میان هنرپیشگان مورد بی مهری قرار گرفته و حجاب سنتی و اصیل تحقیر شده است. ریشه چنین نگرش را باید در عدم آگاهی و یا ضعف اعتقادی برخی دست اندرکاران رسانه ای دانست.

به نظر می رسد نهادهای فرهنگی باید بیش از پیش به تربیت هنرمندان و هنرپیشگان متعهد به مبانی اعتقادی همچون حجاب و عفاف بپردازند تا حفظ ارزش های دینی نه به عنوان تحمیل قانونی، بلکه به عنوان باورهای قلبی و تمایلاتی خود جوش متجلی شود.

**۳. ۶. ۲. آسیب های رسانه به فرهنگ حجاب:** رسانه ها و هنرهای تصویری آسیب های متعددی را به فرهنگ حجاب وارد کرده اند که متأسفانه این آسیبها در غالب ترویج حجاب نمایان شده است. از جمله آنها:

۱. یکی از مهم ترین آسیبها و مشکلات این است که در ساختار مدیریتی رسانه ها، همه چیز بخش بندی شده و بخش معارف دینی یا مناسبت های دینی در عرض و کنار بخش ها و گروه های دیگر قرار دارد، به ویژه در رسانه ملی؛ در حالی که دیدگاه دینی باید بر تمام بخش های



رسانه دیداری، شنیداری و نوشتاری، حاکم باشد. رسانه نخست باید تلقی درستی از دین و مفاهیم دینی داشته باشد تا بتواند مثلاً حجاب را که بخشی از دین است، به شیوه‌های مختلف و به شکل شایسته برای مردم تبیین کند.

بنابراین جداسازی برنامه‌های دینی و معارفی از سایر برنامه‌های جذاب و سرگرم‌کننده، آسیب جدی در رسانه است. به‌عنوان مثال، رسانه ملی با تأسیس شبکه قرآن یا رادیو معارف، گویا به تعهد دینی خود عمل کرده است. گرچه این امر در جای خود ارزشمند و قابل تقدیر است، ولی باعث شده است که در شبکه‌های دیگر به مباحث معرفتی کمتر توجه شود.

۲. سطحی‌نگری و بسنده کردن به مطالب صرف علمی و خشک و سهم ناچیز هنر و ادبیات، باعث می‌شود که القای معارف بدون جذابیت لازم صورت گیرد. از این رو، بخش عمده‌ای از برنامه‌های رسانه‌ها برای سطح تحصیل کرده جامعه قابل استفاده است؛ در حالی که عمده کسانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، حاضر به تحقیق و تعقل درباره این موضوع نیستند و بیشتر باید غیرمستقیم مورد خطاب قرار گیرند. و یا در برنامه‌ها، نوعی سطح‌نگری و ساده‌انگاری وجود دارد.

۳. یکی دیگر از اشکالات مهم و عمده رسانه‌ها در زمینه فرهنگ حجاب، ضعف برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ و عدم اهتمام جدی به ترویج فرهنگ عفاف و پوشش اسلامی است. در يك کلام انسان نمی‌تواند مسئله حجاب را به‌عنوان جریان فرهنگی در رسانه‌ها پی‌گیری کند. هر چه هست، کار مقطعی است که به مناسبت‌هایی مثل ماه رمضان، تابستان و ... آن هم بسیار سطحی مطرح می‌شود. بدیهی است فرهنگ سازی يك ارزش و هنجار دینی یا اجتماعی، نیاز به برنامه مدون و جریان‌سازی مناسب دارد، و الاً ممکن است نه تنها تأثیرگذار نباشد، بلکه موجب دلسردی و دلزدگی شود.

«عفت» حالتی نفسانی و درونی است که با فطرت انسانی سازگار است و یکی از نمادهای آن، حجاب است که به عفاف و حیا صورت و شکل می‌دهد و حتی گاهی در عمل، عفت که حالت نفسانی و درونی است، با حجاب به تعارض می‌رسند.

به‌عنوان مثال، چادر يك نه بزرگ به نامحرمان است. لذا عقلاً نمی‌توان پذیرفت که خانمی چادر به سر کند، ولی در عین حال رفتارهای باز، مراودات مستمر و طولانی مدت و ارتباطات سهل الوصول با نامحرمان را داشته باشد. چگونه است که مجریان یا بازیگرانی که چادر دارند، در عین داشتن حجاب، روابط غیرمتعارف و غیر شرعی با نامحرمان را دارند؛ مانند گپ زدن با



میهمانان مرد برنامه‌ها و همکاران تلویزیونی، هم‌صحبت‌شدن طولانی با مردان نامحرم در نقش‌های مقابل، یکی به دو کردن‌ها، شوخی‌ها و گفتن حرف‌های شبه عاشقانه و حتی عاشقانه و عاطفی؟ معلوم نیست خانمی که در ارتباطات کلامی و غیرکلامی خود، به حداقل هنجارها و عفاف قناعت می‌کند، چگونه در گزینش نحوه پوششش، حجاب حداکثری را برمی‌گزیند؟ (ارواق اندیشه، س ۶، ش ۶۲، ص ۳۴)

۴. امروزه اکثر نشریات عمومی در طرح‌های روی جلد یا صفحات حساس و پرخواننده و نیز در کتاب‌ها و از همه مهم‌تر برخی برنامه‌های نمایشی تلویزیون، سینما و تئاتر به روال نشریات و فیلم‌سازان خارجی، برای جذب مخاطبان از تصاویر زنان زیبا با آرایش‌های تند و غلیظ بهره می‌گیرند و آن دسته از نشریاتی که تا حدودی می‌خواهند حرمت نگه دارند، از تصاویر دختران خردسال و غیربالغ ولی با آرایش‌های زنانه استفاده می‌کنند.

این نوع نگاه ابزاری به زن، که حقیقتاً با روح حجاب و عفاف کاملاً مغایر است، در واقع بازگشت خزنده و پنهان و کم‌رنگ همان رسانه‌های قبل از انقلاب و خارجی است.

۵. غالباً در داستان‌ها، رمان‌ها، تصاویر، فیلم‌ها و سریال‌ها، نقش‌های منفی و مشاغل سطح پایین جامعه مانند مستخدمه و ... برای زنان چادری اختصاص می‌یابد، ولی زنانی که حجاب کاملی ندارند، به‌عنوان زنان تحصیل کرده، موفق، مؤثر و اجتماعی قلمداد می‌شوند. بدین شکل که پوشش چادر اختصاص به زنان فقیر، بی‌سواد، مستخدمه، سالخورده و زنان درمانده مانند زنان بیوه و همسر مردان معتاد نشان داده شده یا از آن به‌عنوان پوششی برای حضور در قبرستان، مجالس عزا، زندان و غیره استفاده شده است! (حداد عادل، تهران، ۱۳۷۴، ص ۵۷)



## ۴. نتیجه گیری

طهارت و پاک دامنی، اصلی محوری در بینش اسلامی است. اسلام برای طهارت روحی و عفت عمومی، ارزش بسیاری قائل است. فلسفه وجود برخی احکام شرعی مانند حجاب، برای پیش گیری از تحریک جنسی است. کاهش تحریکات، در صورت بهره گیری از پوشش مناسب بدن و پرهیز از رفتارهای تحریک آمیز در برابر نامحرم، امکان پذیر است. البته اگر عفاف بر روح کسی حاکم باشد، این مسئله در رفتار و گفتار و نوع لباس او نیز اثر می گذارد و از میزان تحریکش خواهد کاست.

کشاندن مسائل جنسی و برهنگی به جامعه، افزون بر متزلزل کردن عفت زنان و مردان، زمینه از هم پاشیدن بنیان خانواده‌ها را نیز فراهم می آورد. همچنین اگر زنان و دختران و مردان و پسران بالغ جامعه، از شرم و حیا به دور باشند و در پوشش مناسب موی سر، بدن و زینت هایشان و نوع لباس و برخوردها و رفتارهای خویش دقت نکنند، الگوی نامناسبی برای فرزندان جامعه خواهند بود.

حجاب یک باید دینی و یک ارزش عرفی در نگاه جامعه ما است. مسئله حجاب و نقش آن در ایجاد امنیت روانی - اجتماعی، توسعه فرهنگی و ... یک حق مسلم برای زنان مسلمانان در آیات و روایات گویای اهمیت ویژه این واجب الهی است و همه زن و مرد جامعه را به رعایت آن فرا می خواند.

در طی سال‌های پس از انقلاب، بر اثر آسیب پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، انتقال فرهنگی حجاب با اختلال مواجه گردید و عدم رعایت حجاب اسلامی، موجب جریحه دار ساختن وجدان جمعی و تبدیل آن به عنوان مسئله‌ای اجتماعی شد. مسئله حجاب به عنوان آسیبی اجتماعی، در سطح جامعه و نمادی از مسائل اجتماعی، در عمق جامعه است که اصلاح و ترمیم آن، نیازمند مهندسی فرهنگی و اجتماعی در راستا سیاستهای این موضوع است.

حجاب مانع گمراهی، خودنمایی و حافظ حرمت آداب عفت و حیا می شود؛ هدف از حجاب این است که یک زن مسلمان با فراغت کامل بتواند وظایف و رسالت اساسی خود را به پایان برساند که از این میان، حفظ نسل انسان، پرداختن به شئون خانه داری، تربیت فرزندان و اهمیت دادن به آن از مهم ترین این وظایف است. حجاب، رفتار بیرونی و عینی است که از ارزش های دینی و به عبارتی، از ضروریات دین به شمار می آید. حجاب، آن گونه که بعضی ها





پنداشته‌اند، صرفاً یک تکلیف شخصی نیست؛ بلکه افزون بر آن یک مسئله خانوادگی، اجتماعی، حکومتی، فرهنگی، آموزشی است.



## ۵. پیشنهادات و راهکارها

۱- توسعه و اشاعه فرهنگ حجاب در جامعه نیازمند عزمی ملی و مشارکتی همگانی است، یقیناً یک ارگان یا اداره ای خاص نمی‌تواند در اشاعه فرهنگ حجاب و از بین بردن آسیب‌های ترویج فرهنگ حجاب در جامعه موفق باشد، بنابراین همگان باید احساس مسئولیت نموده، دست در دست یکدیگر داده تا جامعه ای محجبه با تمام ابعاد آن داشته باشیم.

۲- نقش آموزش و پرورش در نهادینه نمودن فرهنگ حجاب و پوشش، نقشی اساسی و کلیدی است، که باید برنامه ریزی دقیق و همه جانبه پیرامون آن اتخاذ گردد.

۳- نقش خانواده در قالب پرورش مبانی دینی و تحکیم آن در فرزندان می‌تواند عاملی اساسی در توسعه فرهنگ پوشش و حجاب در جامعه باشد.

۴- برخورد شایسته و مبتنی بر عقلانیت و اصولی با پدیده ی تکنولوژی جدید مانند: ماهواره و اینترنت، و تلاش در جهت ارائه تکنولوژی برتر و جایگزین ویا در صورت عدم توانایی در ارائه الگوی برتر، شناساندن محسنات آن بجای برخوردهای احساسی و نابخردانه با آن، که خود نوعی ترویج می‌باشد!!! چراکه حتی کسانی که با آن آشنایی ندارند به دنبال چیستی؟ آن می‌روند، کما اینکه در چند سال اخیر تجربه ی مبارزه با ویدئو و ماهواره به چنین واقعه ای اذعان دارد.

۵- مسئولیت حکومت در باره حجاب منحصر به اجباری کردن آن نیست و شامل تعلیم، تبلیغ، ترویج، تشویق، محدودیت، و محرومیت نیز می‌شود. این که با تقبیح شدیدترین دخالت حکومت در حجاب، مراتب ضعیف‌تر آن نیز نفی شود، مغالطه‌ای بیش نیست. آثار منفی اجبار در حجاب یا مجازات بی‌حجایی یا دیگر دخالت‌های حکومت در امر حجاب بیش تر ناشی از بدسلیقگی در اجرا و روش بد آن است. در صورتی که اجبار و مجازاتی که با توجیه افکار عمومی و با تدبیر و هنرمندانه صورت گیرد و دیر یا زود، شخص مجبور و مجازات دیده را متوجه خطای خود کند و به توبه و اصلاح وادارد.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

- ۱- نهج البلاغه: ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۹، موسسه ی فرهنگی - تبلیغاتی امیرالمومنین (علیه السلام) قم.
  - ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۶۳، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم.
  - ۳- احمدی، علی اصغر، ۱۳۸۳ روانشناسی عمومی، چاپ و نشر ایران، تهران.
  - ۴- بنیانیان، حسن، ۱۳۷۷، حجاب اسلامی، سوره مهر، تهران.
  - ۵- حدادعادل، غلامعلی، ۱۳۸۶، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، انتشارات صدا و سیما، تهران
  - ۶- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۵، شرف الدین، قم، دلیل ما.
  - ۷- زیدان، جرجی، ۳۸۴، تاریخ التمدن الاسلامی: ترجمه علی جواهر کلام، امیر کبیر، تهران.
  - ۸- طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم.
  - ۹- العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ۱۴۱۳، موسسه المعارف الاسلامیه، قم.
  - ۱۰- قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۳۴۹، تفسیر احسن الحدیث، دارالتبلیغ الاسلامی، قم.
  - ۱۱- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۷، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتاب العربی، بیروت.
  - ۱۲- لطیف پور، ید الله، ۱۳۷۹، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
  - ۱۳- ماجراجو، حسن، ۱۳۸۵، نیازها و حجاب دختران و زنان، عطر یاس، تهران.
  - ۱۴- رجبی، عباس، ۱۳۸۸، حجاب و نقش آن در سلامت روان، موسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی (علیه السلام)، قم.
  - ۱۵- مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۰، بحالانوار، آخوندی، تهران.
  - ۱۶- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، قم.
  - ۱۷- معین، محمد، ۱۳۷۶، فرهنگ معین، امیر کبیر، تهران.
  - ۱۸- متقی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، موسسه الرساله، بیروت
  - ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۹، اخلاق در قرآن، قم، امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
  - ۲۱- نجفی، محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام، دارالتراث العربی، بیروت.
  - ۲۲- ویل دورانت، ۱۳۸۱، تاریخ تمدن، ترجمه: امیر حسین آریانپور، انتشارات علمی فرهنگی اقبال، تهران.
- تهران.
- مقاله
- ۲۰- جعفری، علی، «خانم‌های چادری سیما»، ماهنامه تخصصی خانه هنر و اندیشه، رواق اندیشه، س



٦، ش ٦٢، بی تا.



فصلنامه علمی،

شماره چهارم / تابستان ۱۳۹۵